



ترجیع بندی نویافته از طالب آملی

یدالله عابدی نهرخلجی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

مهرداد چترایی عزیزآبادی (نویسندهٔ مسئول)^۱

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

قربانعلی ابراهیمی

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۹

چکیده

طالب آملی از شاعران برجسته و معروف ایران در سدهٔ یازدهم هجری است. کلیات اشعار او یک‌بار تصحیح و به زیور طبع آراسته شده است. در مقدمهٔ کلیات اشعار طالب، از منابع و نسخه‌هایی که برای تصحیح و تدوین آن استفاده گردیده، نام برده شده است ولی به برخی نسخ اشاره‌ای نشده است. پس از آن بعضی از محققان با پژوهش و بررسی این موضوع، اثبات نموده‌اند که اشعار جمع‌آوری شده در کلیات طالب با توجه به همه نسخ و منابع موجود نبوده است. نگارندگان این مقاله هنگام تصحیح و بررسی اثری به نام «سفینه نظم و نثر» به اشعاری نویافته از طالب آملی دست پیدا کرده‌اند. سفینهٔ نظم و نثر به دست نویسندهٔ گمنامی نوشته شده است و به شمارهٔ هشت هزار و نهصد و هشتاد و دو در کتابخانهٔ

مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود. در این سفینه اشعار شاعران متعددی جمع‌آوری شده است. این سفینه از نظر محتوایی به سبب داشتن ابیات نویافته شایسته توجه است. در واقع وجود ابیات نویافته از طالب آملی و دیگر شعرا، غنای این سفینه را تأیید می‌کند، همچنین ذکر اشعاری که در منابع دیگر نیامده است، به ارزش این اثر می‌افزاید. پژوهش پیش رو، مطالعه‌ای نظری است که به شیوه پژوهش کتابخانه‌ای انجام شده است و نگارندگان در وهله نخست به شخصیت طالب آملی و در گام دو به ترجیع‌بندی نویافته از وی پرداخته‌اند. تا از این طریق جایگاه و مرتبه شعری این شاعر بزرگ شناسانده شود و با ارائه صد و سه بیت تازه یاب در قالب یک ترجیع‌بند که تا به امروز در دیگر منابع نیامده است، به تکمیل دیوان این شاعر کمک نمایند.

کلیدواژه‌ها: نسخه‌های خطی، سفینه‌ها، طالب آملی، ترجیع‌بند نویافته.

۱. مقدمه

انبوهی از کتب فارسی و نسخ خطی در خلال جنگ‌ها و یورش‌های اقوام مهاجم، اختلافات سیاسی و مذهبی، بی‌تدبیری حاکمان، نبود ساختار اجتماعی منسجم و بی‌توجهی پیشینیان در حفظ میراث باارزش ملی نابود شد؛ دست‌نوشته‌ها و نسخ خطی، میراث ماندگار اقوام و ملت‌ها می‌باشند. این آثار آینه تمام‌نمای علمی، فرهنگی و هنری یک ملت هستند. به عبارتی دیگر، نسخه‌های خطی از عناصر مهم تبادل تجربیات و دانش بشری در طول قرون متمادی به حساب می‌آیند. به همین علت، در مطالعات و پژوهش‌های تاریخی، فرهنگی، هنری و ادبی جایگاه مهمی دارند. این مرقومه‌ها که همانند گنج‌های گران‌بهایی در کتابخانه‌ها نگهداری می‌شوند، حاوی اطلاعات ارزشمندی در موضوعات مختلف همچون نجوم، طب، تاریخ و ادبیات به زبان‌های فارسی و عربی هستند. «جنگ‌ها بهترین و ارزنده‌ترین نشانه طرز فکر مردم مملکت و هر دیار محسوب می‌شوند و نخستین گام برای شناخت و شناساندن یک ملت متمدن و دستیابی به آثار فرهنگی اوست» (فدایی، ۱۳۸۶: ۲۵) جنگ‌ها یاسفینه‌های^۲ ادبی که

۲. برای کسب آگاهی بیشتر درباره اصطلاحات جنگ، سفینه، مجموعه، بیاض و... تفاوت آنها با یکدیگر رک: قزوینی، محمد. استعمال قدیم سفینه به معنی جنگ» مجله یادگار، ج ۴، ش ۴ (آذر ۱۳۲۶) ص ۷۰. نیز رک: افشار، ایرج. سفینه و بیاض و جنگ (مقاله‌های ایرج افشار) گردآوری میلاد عظیمی، انتشارات سخن، تهران ۱۳۹۰، ص ۹-۷.

مشمول بر اشعار یا بخش‌هایی از کتب منشور می‌باشند، غالباً مطابق باعلاقه ناسخ و جامع خودتظیم شده و انعکاس دل‌بستگی‌های شعری و فرهنگی مردمان آن زمانه هستند. این مجموعه‌ها از آن حیث که در بردارنده نام، اشعار و آثار چهره‌های مشهور در ادب و عرفان و... می‌باشند، دارای اهمیت ویژه‌ای هستند. امروزه به واسطه انتشار تحقیقات و بررسی‌های سفینه‌پژوهان، دیگر جای هیچ تردیدی نیست که در تصحیح و تنقیح دیوان شاعران، به‌ناچار باید به جنگ‌ها و سفینه‌ها دقت نظر داشت؛ چه بسا که با مدافعه در سفینه‌ای، بیتی نو یافته از ابیات شاعری برجسته یا قطعه شعری از گوینده‌ای گمنام به دست آید که موجب تکمیل دیوان شاعر و یا شناخت چهره‌های جدید ادبی، در قلمرو شعر فارسی گردد. «جنگ‌پژوهی یکی از ضرورت‌های فرهنگی و تحقیقی ما به شمار می‌آید و تا این سفینه‌های ارجمند و دریای معلومات نهفته در آن مورد شناسایی و تحلیل علمی قرار نگیرد، هر کوششی به منظور شناخت دقیق و جامع از فرهنگ، تاریخ و ادب ایران، کژی و کاستی‌هایی خواهد داشت» (عظیمی، ۱۳۸۹: ۱۴). یکی از این سفینه‌ها «سفینه نظم و نثر» یا «جنگ حکایات» است که تصحیح آن زمینه‌ساز نگارش این مقاله شد.

سفینه نظم و نثر نسخه خطی باارزشی است که در گذر زمان، گمنام باقی مانده است و نویسنده آن ناشناس است و به نظر می‌رسد این نسخه متعلق به اواخر قرن ده و اوایل قرن یازده باشد و شامل مجموعه‌ای از شعر شعرا و نثر نثرنویسان است. این نسخه دو یست و پنجاه برگ دارد. در این سفینه آثار منظوم و منشور بیش از چهل تن از شعرا و ادیبان آورده شده است. هشت هزار و صد و پنجاه بیت شعر فارسی در حاشیه و متن دیده می‌شود. همچنین از قالب‌های متفاوت شعری مانند غزل، قصیده، ترکیب-بند و ترجیع‌بند در حاشیه و متن استفاده شده است. از ابتدای سفینه تا صفحه دو یست و بیست و سه در متن از منابع منشور با مضامین اخلاقی و عرفانی بخش‌هایی آورده شده است. این سفینه به صورت تک‌نسخه‌ای، به شماره هشت هزار و نهصد و هشتاد و دو در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود و تاکنون تصحیحی از آن انجام نشده است. یکی از شاعرانی که تعدادی زیادی از اشعار وی در قالب غزل و ترجیع‌بند در سفینه نظم و نثر قرار دارد، طالب آملی است. دیوان طالب آملی در سال ۱۳۴۶ توسط محمد طاهری شهاب گردآوری شده است. درباره تکمیل دیوان طالب پیش از این پژوهش‌هایی انجام شده است. طاهری شهاب در مقدمه کتاب خود، از منابع و نسخه‌ها و تذکره‌هایی که در تدوین کلیات طالب از آن‌ها استفاده شده است؛ چنین می‌گوید: «قدیمی‌ترین دیوان طالب آملی که امروزه ما

را در دست است، نسخه متعلق به دانشمند گران‌قدر شیخ محمد دین از فضلالی پاکستان است که به سال ۱۰۴۲ هجری قمری یعنی شش سال پس از درگذشت طالب، به خط محمدحسین مروارید قلم، به جهت (شاه جهان) کتابت شده است. این نسخه در نهایت نفاست و حسن خط تهیه و تنظیم گردیده و فاضل معاصر سرهنگ عبدالرشید، در ضمن تذکره طالب که از تألیفات بسیار ارزنده ایشان است، خصوصیات آن را به انضمام گر او آخرین صفحه نسخه، در تذکره مذکور بیان داشته‌اند» (طاهری شهاب، ۱۳۴۶: مقدمه دیوان طالب). طاهری شهاب در ادامه به معرفی بیست و پنج نسخه خطی از دیوان طالب آملی که در کتابخانه‌های داخلی و خارجی نگهداری شده، اشاره نموده است. نگارندگان در این پژوهش توانستند با بررسی دوباره این تحقیقات و ژرف‌نگری در اطلاعات به‌دست‌آمده از تصحیح متن سفینه نظم و نثر قرن ده و یازده هجری، اشعار نویافته‌ای از طالب آملی را شناسایی کنند که این اشعار تازه باب می‌تواند به تکمیل دیوان این شاعر ارزشمند کمک کند و برای نخستین بار ترکیب-بند نویافته‌ای از طالب آملی معرفی نمایند. روش تحقیق در این پژوهش به تناسب موضوع، روش «توصیفی-تحلیلی» است و پس از معرفی سفینه نظم و نثر قرن ده هجری، در وهله یک به زندگی‌نامه طالب آملی و در نهایت به ابیات نویافته وی پرداخته است.

۲- پیشینه پژوهش

کلیات اشعار ملک‌الشعرا طالب آملی در سال ۱۳۴۶ هجری شمسی به اهتمام، تصحیح و تحشیه محمد طاهری شهاب، به زیور طبع آراسته شده است و بار دیگر در سال ۱۳۹۱ مجدداً بدون هیچ بازنگری و تغییری به چاپ رسیده است. در سال ۱۳۸۲ فرامرز گودرزی در کتابی بانام «شاعر هنرمندی که شایسته فراموشی نیست» زندگی‌نامه و کارنامه ادبی طالب آملی را موردبررسی قرار داده است. محمدرضا قنبری نیز در سال ۱۳۸۳ تعدادی از غزلیات طالب را دست‌چین نموده و در کتابی با عنوان «زندگی و شعر طالب آملی» (شاعر گل‌های آتش) به چاپ رسانده است. مجموعه «مشاهیر ایرانی» توسط علی رازقی‌شانی در سال ۱۳۸۶، با توضیح خصوصیات ادبی طالب و زندگی‌نامه وی به رشته تحریر درآمده است. در سال ۱۳۹۴ وحید عیدگاه طرهبه‌ای مقاله‌ای را تحت عنوان «تصحیح بیت‌هایی از کلیات طالب آملی» با استفاده از قواعد سنتی شعر فارسی و ویژگی‌های سبک شعری شاعر، نگاشته است و برخی از بیت‌های کلیات طالب را تصحیح نموده است. در سال ۱۳۹۹ نیز سید محمد دشتی مقاله‌ای با عنوان «ضرورت تصحیح دوباره غزلیات طالب آملی» نوشته است و محور اصلی پژوهش

وی استفاده نشدن نسخه‌های معتبر در تصحیح قبلی دیوان اشعار طالب، گزارش نشدن نسخه‌بدل‌ها و گزینش‌های نابجا در نسخه چاپ‌شده است که این مقاله نیز مانند سایر مقالات بیشتر به غزلیات طالب و ویژگی‌های سبکی آن پرداخته است. بیش از بیست پژوهش دیگر در مورد اشعار طالب، حول محورهای ترکیب‌های اشتقاقی، بررسی تلمیح، سبک‌شناسی، اصطلاحات عرفانی، غزلیات، استعاره مصرّحه در غزلیات و... انجام شده است. بیشتر این پژوهش‌های دانشگاهی، به صورت تحلیلی و سبک‌شناسانه و در رابطه با غزلیات طالب گرفته است و سایر قالب‌های شعری وی مورد مذاقه قرار نگرفته است.

۳. مبانی نظری پژوهش

ترکیب‌بندهای طالب آملی بخشی از کلیات اشعار او را دربرگرفته است که مرحوم سید محمد طاهری شهاب، در کلیات اشعار ملک الشعراء، آن را چاپ کرده است. با وجودی که محمد طاهری شهاب در مقدمه کلیات اشعار نسخه‌ها و متونی را که برای تصحیح به کار برده است، معرفی نموده است ولی متأسفانه «نسخه استفاده‌شده خود را معرفی نکرده است» (دشتی، ۱۳۹۹: ۹۵). همچنین سایر پژوهشگران بیشتر بر روی غزل‌های طالب بررسی انجام داده‌اند و سایر قالب‌های شعری وی همانند ترکیب‌بند و ترجیع‌بند مورد مذاقه قرار نگرفته است؛ بنابراین با توجه به استعدادی که طالب آملی در عرصه‌های مختلف شعری از خود نشان داده است، شایسته و بایسته است که جمع‌آوری آثار و دیگر قالب‌های شعری وی مورد بازنگری قرار گیرد.

۱-۳. معرفی سفینه نظم و نثر «جنگ حکایات»

در میان نسخه‌های خطی موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، نسخه‌ای با عنوان «سفینه» به شماره (۸۹۸۲) موجود است که به لحاظ متون نظم و نثری که در آن نوشته شده، در مواردی نو یافته و بی سابقه است، به این دلیل، ارزش و اهمیتی بسیار دارد. نویسنده و گردآورنده این مجموعه، ناشناخته، خط آن نستعلیق و حجم آن دویست و پنجاه برگ است. اسامی شعرا، برخی آیات، نکات مهم، حروف، کلمات اختصاری، احادیث و عنوان مطالب به رنگ سرخ یا سبز و زرنگار نگاشته شده است؛ نسخه رکابه‌نویسی دارد. برگ‌ها به عدد شماره‌گذاری شده‌اند ولی با توجه به نوع خط و مرکب استفاده‌شده به نظر می‌رسد، این شماره‌گذاری متأخر باشد و مربوط به کاتب نیست. در بعضی برگ‌ها -به ویژه در اواسط نسخه- چند بیت محوشده است. در برخی صفحات ریختگی جوهر و نمود دیدگی به وضوح قابل دیدن

است. از برگ دو بیست و سی و سه تا پایان نسخه به خط جدیدتری نگاشته شده است و احتمالاً کاتب آن تغییر کرده است. تاریخ کتابت این نسخه نامعلوم است. در صفحه آغازین نسخه، تملک «اسدالله» نوشته شده است و در پایین آن، نقشی از مهر مستطیل طُغرایبی «اسدالله» وجود دارد که در بالای نشان شیر و خورشید و در پایین آن عبارت «معین الرّعايا ۱۳۰۷» حک شده است. در برگ صد و نه نسخه چندین بار نقش ناقصی از یک مهر بیضوی وجود دارد که عبارت «بدل بنده مهر محمدتقی ۱۰۵۸» کوفته شده است. در برگ دو بیست و چهارده مهر مدور ناقصی به نقش «بنده آل محمد...» نقش بسته است.

کاتب، این سفینه را با جملاتی از مجالس شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی، چنین آغاز می‌کند: «دیباچه سفینه، بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سپاس بی‌غایت و ستایش بی‌نهایت، آفریدگار را جل جلاله و عم نواله» که از کمال موجودات و دریای وجود شخص انسانی سفینه‌ای پر دقیق‌تر پرداخت و هر چه در اصناف و اوصاف و صور عالم مختلف دنیوی و اخروی تعبیه داشت زبده و خلاصه همه درین سفینه خزینه ساخت و درین دریا از خصوصیت «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» سیر ترقی خزاین سفینه را کرامت بفرمود و درود بی حد و ثنای بی‌عدد بر پیشوای انبیاء و مقتدای اصفیاء محمد مصطفی باد که سفاین اشخاص انسانی را ملاحی است و دریای بی‌نهایت حضرت ربّانی را سیّاح، صلواتُ الله علیه وآله اَجْمَعِينَ» (سفینه، برگ دو).

کاتب با جملاتی بی‌نقطه، در وصف بهار، سفینه را به انجام می‌رساند. از برگ یک تا برگ دو بیست و بیست و سه سفینه، در متن هر صفحه، از کتب منشور جملاتی آورده شده است و در حاشیه هر صفحه، اشعار شاعرانی از قرن ده هجری گردآوری شده است. از برگ دو بیست و بیست و چهار تا پایان سفینه از نثر خبری نیست و در متن و حاشیه ابیات شاعران نوشته شده است. این سفینه فاقد انجامه است. جلد این سفینه از نوع تیماج دورو بوده و در لبه نسخه، نام «جنگ حکایات» نوشته شده است. در برگ دو بیست و چهل و هفت سمت راست بالای صفحه، ابیاتی چند از نگارنده ناشناس سفینه آورده شده است و بالای ابیات عبارت «لِرَاقِمِهِ» نقش بسته است که به احتمال قوی این اشعار سروده کاتب و جامع نسخه بوده است.

دوش در میخانه ساقی برد از من هوش را
ساخت هشیار از می غفلت من بی‌هوش را
ز رویم اشک گلگون شست رنگ زعفرانی را
کسی از چشم خود هرگز ندید این مهربانی را

نه ناز است این که دارد در چمن نرگس به هم چشمان
جوش زد سودای عشقش از سر پر شور ما
که دارد از خمار خواب صبح این سر گرانی را
بسا سرشار می‌باشد می هر جوش را
(سفینه، برگ ۲۴۷)

در برگ دو یست و چهل و هفت سمت چپ، اشعار ذیل با امضایی ناخوانا نوشته شده است.
دوش اندیشه مرگ آمد و هشیار شدم
من و مرغ سحری دوش به گلزار شدیم
شب در اندیشه آن شعله عارض خفتیم
یاد آن خواب گران کردم و بیدار شدم
آن قدر ذکر تو کردیم که از کار شدیم
صبحدم سوخته بودیم که بیدار شدیم
(سفینه، برگ ۲۴۷)

به بزم وصل تو شد جرعه‌ای حواله ما
چنان ز نکهت وصلت شکفته غنچه دل
که ساز رقص کند در ته پیاله ما
که شمع مهر فرورد ز داغ لاله ما
(سفینه، برگ ۲۴۷)

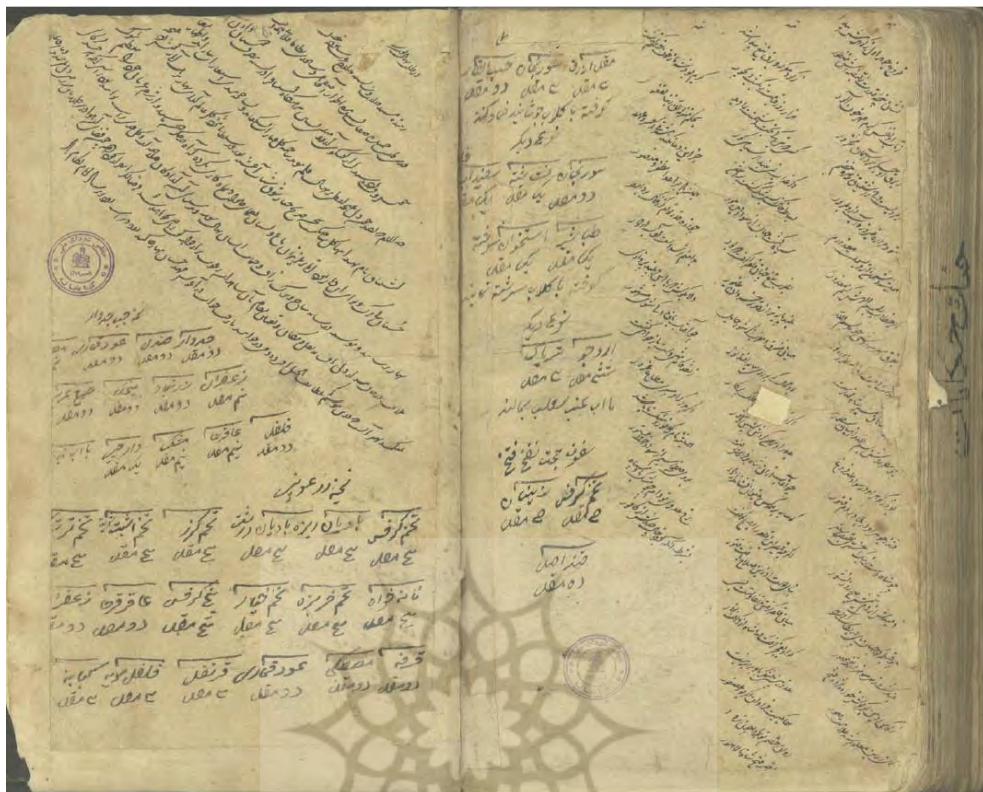
شاعران این مجموعه شعری به ترتیب چیدمان اشعارشان که در سفینه آمده است، عبارت‌اند از:
علی نقی کمره‌ای کاشانی، رضی‌الدین آرتیمانی، واله‌ی قمی، ابوتراب ابن علی بیک فرقتی کاشانی،
کمال‌الدین وحشی بافقی، شریف تبریزی، محمد بن علی عرفی شیرازی، خواجه‌ی کرمانی، محمد
ظهوری ترشیزی، شکیبی اصفهانی، فصیحی هروی، زکی همدانی، امیدی تهرانی، ملا شانی تکلو،
غیاث‌ای حلوی شیرازی، طالب آملی، ملاطبعی قزوینی، محمد قلی سلیم تهرانی، آنیسی شاملو، نوعی
خبوشانی، حکیم زکنا، پرتوی شیرازی، صوفی مازندرانی، حکیم اقدسی، مرشد بروجردی، قطران
تبریزی، خاقانی، شاه طاهر دکنی، شیخ فیضی دکنی، ولی دشت بیاضی، قاضی نورالدین محمد
اصفهانی، خواجه حسین ثنایی، میر سید علی، سلمان و واعظ الانام.

نثرنویسان این مجموعه عبارت‌اند از:

سعدی شیرازی، امام محمد غزالی، بدیل بن علی خاقانی، حسین بن علی واعظ کاشفی، حسین بن
معین‌الدین میدی، میرحسینی هروی، شاه طاهر دکنی، حسین بن محمد خوانساری، عبدالباقی
نهادندی، فیضی دکنی، عبدالرحمن بن احمد جامی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی



شکل ۱. «برگ اول و آخر سفینه»

نسخه‌هایی که در کتابخانه‌های داخلی و خارجی حاوی اشعار طالب آملی است به شرح زیر است

۱- در انگلستان به موجب فهرست ریو، ۱ مجلد ۲

۲- در بودلین ۲ نسخه

۳- در کتابخانه ایتهی شش نسخه از شماره ۱۵۲۳ الی ۱۵۲۹

۴- در بانکی پور هفت نسخه

۵- در آنونوف دو نسخه

۶- در بوهر و سه نسخه

۷- در کتابخانه آصفیه یک نسخه

۸- در حیدرآباد دفتر دیوانی یک نسخه

- ۹- در کتابخانه سالار جنگ یک نسخه
 ۱۰- در کتابخانه عمر یافعی حیدرآباد یک نسخه
 ۱۱- در علیگره یک نسخه
 ۱۲- در کتابخانه رامپور پنج نسخه
 ۱۳- در کتابخانه محمود آباد دو نسخه
 ۱۴- در کتابخانه حبیب گنج سه نسخه
 ۱۵- در پشاور عجائب گهر یک نسخه
 ۱۶- در کتابخانه پیر حسام الدین راشدی یک نسخه
 ۱۷- در کتابخانه ملک چهار نسخه
 ۱۸- در کتابخانه مجلس شورای اسلامی دو نسخه
 ۱۹- در کتابخانه موزه ایران باستان یک نسخه
 ۲۰- در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار یک نسخه
 ۲۱- در کتابخانه حاج باقر ترقی یک نسخه
 ۲۲- در کتابخانه عبدالحسین بیات یک نسخه
 ۲۳- در کتابخانه طاهری شهاب یک نسخه
 ۲۴- در کتابخانه عباس جهانیان یک نسخه.

۲-۳. معرفی و زندگی نامه طالب آملی

ابوطالب آملی، متخلص به طالب است. «تاریخ تولد و زادگاه اولیه وی را هیچ‌یک از تذکره‌نویسان متعرض نشده‌اند» (طاهری شهاب، ۱۳۴۶: مقدمه دیوان) از شاعران بزرگ سده یازده قمری است. وی خود را روستازاده معرفی می‌کند و ابیاتی در این باره دارد.

طالب از نظم تو شهر و روستا در غلغل است چون تو شهری شاعری از روستانی بر نخواست
 (طاهری شهاب، مقدمه دیوان: شش)

طالب خیلی زود و در آغاز جوانی به شهرت رسید. ذبیح الله صفا درباره وی می‌گوید: «در آن روزگار از بعضی دانش‌ها بهره داشته و در شاعری توانایی یافته بود» (صفا، ۱۳۶۷: ۱۰۵۷)

در سال ۱۰۱۰ از مازندران کوچ کرد و به کاشان و بعد به اصفهان سفر نمود و از آنجا به مشهد رفت و آنگاه به قندهار کوچ کرد. «مولانا طالب آملی بعد از مدتی که در ایران منظور نظر و متبوع طبایع بود به تاریخ سنهٔ ستّ عشر و ألف (۱۰۱۶هـ) به جانب هندوستان شتافت (گلچین معانی احمد، ۱۳۶۹: ۷۶۰) و برای همیشه ترک وطن نمود.

نواب صدیق حسن خان در تذکره شمع انجمن می گوید: «در ریعان شباب و آغاز نامیهٔ جوانی از ولایت خود برآمده به زهتکدهٔ هند خرامید و سری به گلگشت این گل زمین کشید و چندی نزد میرغازی ناظم قندهار از طرف جهانگیر پادشاه به سر برد و به فراوان نوازش اختصاص یافت و بعد رحلت او، کَرّت ثانی رخت به دیار هند کشید و ایامی با عبدالله خان بهادر ناظم گجرات به سر برد» (نواب صدیق حسن خان، ۱۳۸۵: ۴۲۶)

در هندوستان به شاگردی میرزا غازی بیگ وقاری پرداخت. پس از ورود به دربار گورکانیان، در مدح جهانگیر شاه و اعتمادالدولهٔ وزیر و نورجهان بیگم و میرزا غازی بیگ قصاید غزایی می سرود. از آنجایی که طالب در انواع شعر استاد بود و از طرفی علوم زمانش را خوب می دانست «آخر به اعتصام ذیل جهانگیری قوی پایه شد و در سنهٔ ۱۰۲۸ به خطاب ملک الشعرائی بلندنامی اندوخت» (نواب صدیق خان، ۱۳۸۵: ۴۲۶). او یکی از تواناترین شاعران سبک شعر دوران صفوی است. «حقیقت امر آن است که طالب به سبب تأثیری که در تحول سبک شعر دوران صفوی دارد شاعر قابل توجه و تحقیقی است، او در شمار کسانی است که شیوهٔ شاعری را از آنچه دنبالهٔ سبک آغاز سدهٔ ده محسوب می شده، بجانب یک تحول سریع و قاطع بردند» (صفا، ۱۳۶۷: ۱۰۶۲) است. طالب آملی کلامی پاکیزه و منقح داشت «کلامش چون گل باران بهاری خورده با طراوت و بیاننش چون شیر با شکر آغشته خوش حلاوت» (اوحدی دقایقی بلیانی، ۱۳۸۹: ۲۴۶۳). وی «پس از مدتی رنجوری و بروز اختلال گونه‌ای در حواس به سال ۱۰۳۵ یا ۱۰۳۶ درگذشت» (صفا، ۱۰۵۸: ۱۳۶۷). باین وجود، محمد طاهری شهاب در مقدمهٔ کلیات اشعار طالب آملی معتقد است با استناد به اشعار طالب، انتساب اختلال و جنون به او صحیح نیست بلکه از طعن حسودان زمانه آگاهانه به این کار دست زد. طالب درحالی که چهل و نه سال از عمرش می گذشت رخ در نقاب خاک کشید و پیکرش در شهر فتح پور سیکری نزدیک آگره در جوار مقبره اعتمادالدوله سرپرست و دوست طالب و صدراعظم معروف جهانگیر به خاک سپرده شد.

طالب در هندوستان ازدواج کرد که حاصل این ازدواجش دو دختر بود که بعد از مرگش خواهر او، سَتّی نسا، سرپرستی برادرزاده‌هایش را به عهده گرفت و آن‌ها را سر و سامان داد. سَتّی نسا که برای دیدار برادر خود به هندوستان رفته بود و زنی باکمال و ادب بود و در طبابت و تدبیر منزل آگاهی داشت، به دربار گورکانیان راه یافت و همان‌جا ازدواج کرد و تا پایان عمر همان‌جا ماند.

به این صورت دوران حیات یکی از نوآوران ادب پارسی در جوانی به پایان رسید. آثار مهم ابوطالب آملی عبارت‌اند از: دیوان اوست که به همت محمد طاهری شهاب به طبع رسیده است و شامل بیست و دو هزار و نهصد و شصت و هشت بیت از قصیده، ترکیب، ترجیع، مثنوی، غزل، قطعه، رباعی و مفردات است.

قصیده‌ها، ترکیب‌ها و ترجیع‌هایش بیشتر در مدح حاکمان بوده است و مقداری نیز در مدح امامان سروده شده است. از مثنوی‌هایش مثنوی قضا و قدر و مثنوی سوزوگداز را می‌توان نام برد.

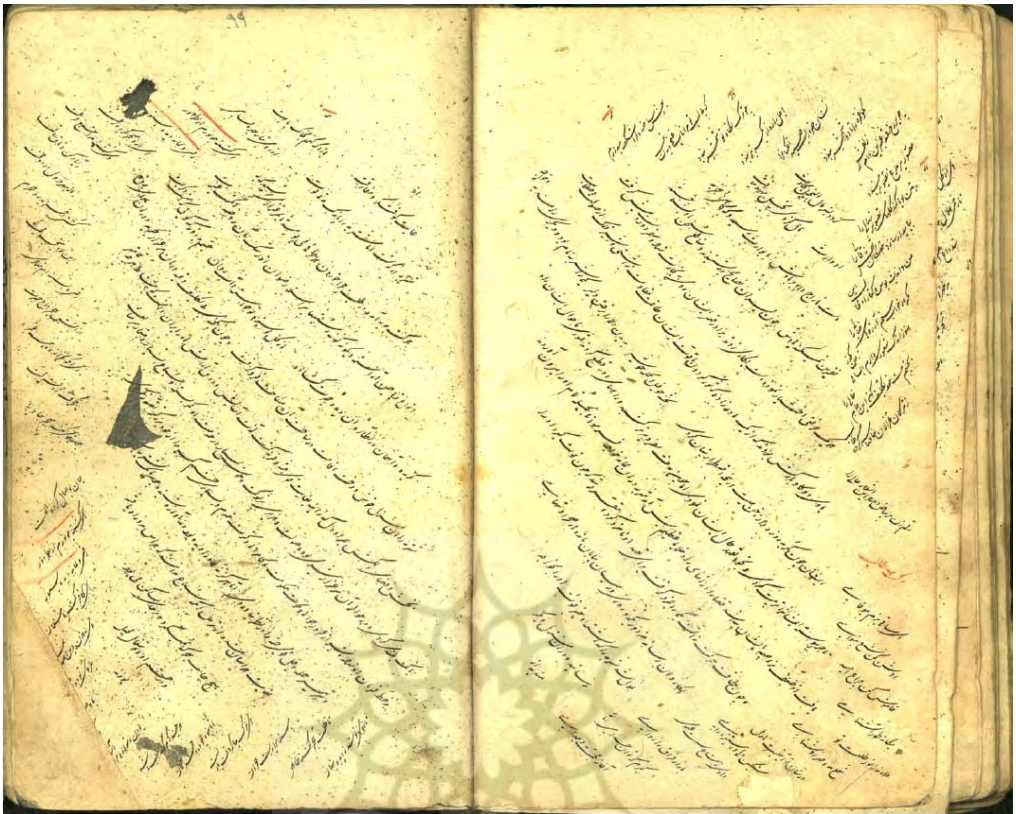
۳-۳. اشعار نویافته طالب آملی

در سفینه نظم و نثر قرن ده هجری تعداد بیست غزل از غزل‌های طالب آملی درج شده است. این غزل‌ها در حاشیه سفینه از برگ نود و شش تا برگ نود و هشت نوشته شده است. عبارت طالب آملی در ابتدای غزل یک بسیار کم‌رنگ درج شده است.



شکل دو. «حاشیه نویسی غزل‌های طالب آملی در برگ نود و شش»

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شکل سه. «حاشیه نویسی غزل‌های طالب آملی در برگ نود و نه»

در انتهای این غزل‌ها کاتب سفینه با جوهر سرخ‌رنگ نام ترکیب‌بند طالب را بین حاشیه برگ نود و نه نوشته است.

و در ادامه تا برگ صد و دو این ترجیع‌بند را در صد و ده بیت نگاشته شده است. در برگ صد و یک، ۱۰۲ و ۱۰۳ جوهر ریختگی و ترمیم نسخه ۷ بیت از ابیات را ناخوانا و محو نموده است. البته با توجه به ساختار شعری ترکیب‌بند و ترجیع‌بند و تفاوت آن‌ها، این ابیات اشتهاً توسط کاتب ترکیب‌بند معرفی شده‌اند درحالی‌که این ابیات در اصل ترجیع‌بند می‌باشند. ترجیع‌بند غزل‌های هم‌وزن، با قافیه‌های متفاوت است که بیت یکسان مُصرّعی آن‌ها را به هم پیوند می‌دهد. صفا در مورد دیوان طالب می‌نویسد: دیوان او را تذکره‌نویسان از ۹۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰ نوشته‌اند ولی نسخه چاپی آن به همت دوست فقیدم طاهری شهاب به طبع رسیده، شامل ۲۲۹۶۸ بیت از قصیده، ترکیب، ترجیع، مثنوی، غزل، قطعه،

رباعی و مفردات است. قصیده‌ها، ترکیب‌ها و ترجیع‌هایش در ستایش حاکمان مازندران، میر غازی ترخان، دیانت خان، عبدالله خان فیروز جنگ، اعتمادالدوله و جهانگیر پادشاه سروده شده و مقداری از آن‌ها نیز در ستایش امامانست (صفا ذبیح الله، ۱۳۶۷: ۱۰۶۲).

ترجیع‌بند طالب آملی، با بیت برگردان زیر است:

ای گشته چو نورم از نظر دور رفتی و بماند دیده بی نور
(سفینه نظم و نثر: برگ نود و نه)

این ترجیع، پانزده بند دارد و مجموع ابیات آن با احتساب بیت ترجیع در تمام بندها صد و سه بیت است. وزن آن مفعول مفاعله فاعولن و در بحر هزج مسدس اخرب مقبوض محذوف است. این ترجیع‌بند از پختگی و احساسات عمیق برخوردار است و از فراق و دوری حکایت دارد. تعداد ابیات این ترجیع در هر بند به شرح زیر است؛ موضوع این ترجیع‌بند حول محور «فراق یار، طلب دیدار و بی‌مهری دلدار غدار» است.

- بند یک بدون بیت ترجیع هفت بیت
- بند دو بدون بیت ترجیع شش بیت
- بند سه بدون بیت ترجیع هشت بیت که تعداد سه بیت آن ناقص بوده و کلمات افتاده دارد.
- بند چهار بدون بیت ترجیع هفت بیت
- بند پنج بدون بیت ترجیع هفت بیت که تعداد دو بیت آن ناقص بوده و کلمات افتاده دارد.
- بند شش بدون بیت ترجیع شش بیت
- بند هفت بدون بیت ترجیع هفت بیت که تعداد یک مصرع آن ناقص بوده و کلمات افتاده دارد.
- بند هشت بدون بیت ترجیع شش بیت
- بند نه بدون بیت ترجیع هفت بیت که یک بیت آن ناقص بوده و کلمات افتاده دارد.
- بند ده بدون بیت ترجیع هفت بیت
- بند یازده بدون بیت ترجیع هفت بیت
- بند دوازده بدون بیت ترجیع هفت بیت
- بند سیزده بدون بیت ترجیع چهار بیت
- بند چهارده بدون بیت ترجیع پنج بیت

- بند پانزده بدون بیت ترجیع پنج بیت

- و تعداد بیت ترجیع پانزده بیت است.

مضمون این ترجیع‌بند سبک هندی عاشقانه و عارفانه است.

«ترجیع‌بند طالب»

روشن کن شمع بینوایی	ای ساقی بزم بی وفایی
بیگانه طور آشنایی	خاموش کن چراغ امید
شمع مه و مهر روشنایی	دارند ز نور طلعت تو
سنگین دلی و ستیزه رای	در شان تو آیتست نازل
بازار فراق را روایی	دادی ز متاع سست عهدی
آغاز محبت و جدایی	گیرم که تو آن خدایی اما
از روی به ناز چهره سایی	بازا که کنم به خاک پایت
رفتی بماند دیده بی نور	ای گشته چو نورم از نظر دور
ای گشته مرا به تیغ فرغت	ای درد به حجر کرده رغبت
از بهر نزول درد و محنت	آباد کن وثاق دل‌ها
این بود نتیجه محبت	گشتی آخر به درد هجرم
از آتش هجر داغ حسرت	رفتی و به سینه‌ام نهادی
یک حرف ز دفتر محبت	ای آنکه نخوانده در همه عمر
جان به وصال کرده الفت	چون جوی کند به بحر جاوید
رفتی بماند دیده بی نور	ای گشته چو نورم از نظر دور
ای رهن دین صد پشیمان	ای کافر کیش نامسلمان
مــــــادم [؟]	بیرون تو [؟] ^۳

[؟]

[؟]

[؟]

[؟]

دشووار

بودن

^۳ - علامت ناخوانا و مغشوش بودن تمام یا قسمتی از ابیات در نسخه اساس.

اما نبود چو درد حرمان
 میسند مرا به دست هجران
 تا روی تو شد ز دیده هجران
 بی نور شده است دیده و جان
 رفتی و بماند دیده بی نور
 وی کینه ذخیره دل تو
 در ملک فراغ منزل تو
 کان تحفه نبود قابل تو
 پیمانۀ زهر قاتل تو
 گردم قربان محمل تو

گشتم به فراق مایل تو
 پروانه به شمع محفل تو
 رفتی بماند دیده بی نور

[۴]

[۴]

از دوزخ جاودان فزونست
 ویران کن خانه سکونست
 از شوری بخت واژگونست
 نزدیک به سر حد جنونست
 چون میدانی که حال چونست
 رفتی و بماند دیده بی نور
 سرمایه عمر جاودانی
 این بود طریق مهربانی
 مستغرق بحر ناتوانی

هرچند که مرگ صعب باشد
 ای مرگ بیا که وقت یاریست
 تا ظلمت هجر گشت ظاهر
 تاریک شدست خانه دل
 ای گشته چو نورم از نظر دور
 ای فتنه سرشته گل تو
 در کنج فراق مسکن من
 جان پیشکش تو زان نکردم
 خوردیم و فراق نام کردیم
 هر دم صد بار در تخیل

جز کشتن من مقصدت بود
 مرغ دل پنج دهم بسمل ماست
 ای گشته چو نورم از نظر دور

[۴] موج خونست

[۴]

سوز جگر پر آتش من
 سیلاب سرشک حسرت من
 ناکامی ما و تلخ کامی
 کارم به فراق در شب هجر
 حاجت نبود به شرح و بسطی
 ای گشته چو نورم از نظر دور
 ای وصل تو آب زندگانی
 رفتی ز برم به سعی بسیار
 رفتی و میان دیده گشتم

دارند سر هم آشیانی
 در خواب ندیده شادمانی
 تا چند حجاب لَن ترانی
 رفتی و بماند دیده بی نور
 هجران تو مرگ زندگانست
 آغاز وداع ننگ و نامست
 در مذهب عاشقان حرامست
 اما اکنون در انتقامست
 در مجلس فرقتم به جامست
 کز باده هجر تلخ کامست
 بی یوسف خویشتن خرابست

رفتی و بماند دیده بی نور
 در دیده چکاند آب حسرت
 تا بنده شد آفتاب حسرت
 از لشکر بی حساب حسرت
 بر عارض دل نقاب حسرت
 از خون دل شراب حسرت
 از آتش سینه تاب حسرت
 رفتی و بماند دیده بی نور
 با من چو فراق هم وثاقست
 نوباوة باغ اشتیاقست

[۴]

هیزم کش آتش فراقست
 از مهر فراق احتراقست
 در بند گسستن نطاقست

مرغ دل ما و جغد محنت
 ماییم و دلی که در شب غم
 مابین جمال و موسی دل
 ای گشته چو نورم از نظر دور
 بی روی تو زیستن حرامست
 زاد ره عشق چند چیزست
 مردیم که زندگی بی تو
 پیک چند فلک به ما نکو کرد
 صد گونه شراب ناامیدی
 شکر چه کند در آن مذاقی

[۴]

ای گشته چو نورم از نظر دور
 آورد هجوم خواب حسرت
 از برج دلم ز اوج حرمان
 ویران گردید قلعه دل
 از خند گشتم به بزم امید
 لبریز شدست ساغر ما
 پرتو دادیم شمع دل را
 ای گشته چو نورم از نظر دور
 حسرت که مصاحب فراقست
 آن زهر که مرگ نایب اوست
 زهریست

[۴]

بختم ز تنور کینه چرخ
 سیاره طالع زبون را
 سر پنجه حسرت آرزو را

روی چو مه تو در محاقست
 رفتی و بماند دیده بی نور
 وی رفته وداع ما نکرده
 یک حاجت ما روا نکرده
 یک درد مرا دوا نکرده
 خود را به تو آشنا نکرده
 خود با ستم و جفا نکرده
 در پای تو جان فدا نکرده
 از تو طلب ضیا نکرده
 رفتی و بماند دیده بی نور
 اما گل باغ هجر اینهاست
 از دولت فرقتم مهیاست
 طاقت گاهیت آتش افزاست
 اما غم هجر شکوه فرماست
 حک گشته صفحه تمناست
 داغ جگر پر آتش ماست
 سرمایه صد هزار سوداست
 رفتی و بماند دیده بی نور
 جان هم ز پیت به هم‌رهی شد
 در کنج فراق منزوی شد
 آخر به سر دلم قوی شد
 مستوجب هجر دایمی شد
 سرمایه حسرت نقی شد
 از دولت دیده‌ام غنی شد

از بدمهری بگوی تا چند
 ای گشته چو نورم از نظر دور
 ای وعده خود وفا نکرده
 سر رشته خواهشم گسستی
 صد درد دگر بدان فزودی
 بیگانگی تو ظاهرم بود
 دارم دل نازکی که هرگز
 خاکم بر سر که دور گشتم
 پرتو نهد جمال خورشید
 ای گشته چو نورم از نظر دور
 از تو گله‌ام تمام اینجاست
 اسباب هزار ساله شکوه
 جانسوز بلای اشتیاقست
 من از تو شکایتی ندارم
 آنم که مرا حروف امید
 پرتو ده شمع ناامیدی
 هر قطره اشک حسرت من
 ای گشته چو نورم از نظر دور
 رفتی تو و دل ز ما بری شد
 جانی به فراق خو گرفته
 دست غم و درد خانه پرورد
 دل را چه کند بود که آخر
 دردی که دوا نبود آن را
 از اشک چو لعل دامن من

کز نور مواصلت تهی شد
 رفتی و بماند دیده بی نور
 در آتش شوق شعله افکن
 بی رحم دلت نبود مخزن
 شد باعث بی تو صبر کردن
 گر هجر بسوزیم دل و تن
 رفتی و بماند دیده بی نور
 وی صد چو دل ز ما ربوده
 صد در ز جحیم غم گشوده
 کاهیده به حسرتم فزوده
 خود را به بلا نیازموده
 پیش تو به طاقتت نبوده
 رفتی و بماند دیده بی نور
 منسوخ کن رسوم یاری
 شرمنده بود امیدواری
 تا چند توان کشید خاری
 هجر تو به تیغ بیقراری
 خواهم مردن ز شرمساری
 رفتی و بماند دیده بی نور

کوری اولیست دیده‌ای را
 ای گشته چو نورم از نظر دور
 ای صبر و شکیب را به خرمن
 وی گوهر لطف و مرحمت را
 امید وصال بعد مردن
 تاخیر از آن به قتل من شد
 ای گشته چو نورم از نظر دور
 ای غارت دین چو دل نموده
 بسته در وصل بر رخ من
 از طاقت من هر آنچه هجرت
 آهنگ نبرد هجر کردم
 شرمنده شدم که می‌زدم لاف
 ای گشته چو نورم از نظر دور
 ای مخترع ستیزه رایبی
 تا چند ز نا امیدی من
 از دست زبون کشی چو هجران
 تا آمدن تو خواهدم کشت
 ور آنکه ز فرقتت نمردم
 ای گشته چو نورم از نظر دور

۴- نتیجه‌گیری

بر پایه آنچه در این نوشتار بیان شده است، این نکته مسلم می‌گردد که، امروزه یکی از منابع قابل توجه و مهم، برای هر مصححی، جنگ‌ها و سفینه‌های شعری است. ناسخان چنین مجموعه‌هایی با در دست داشتن نویسه‌های کهن که بعضاً دست‌تپاول روزگار آن‌ها را به غارت برده یا به فراموشی سپرده است،

به نام و اشعار شاعرانی اشاره می‌کنند که امروزه برای پژوهشگران قلمرو شعر و ادب فارسی نویافته و بیگانه می‌نماید. این امر ضرورت پژوهش و بررسی این نوشته‌های خطی را نشان می‌دهد. دست‌نوشته‌های کهن خطی، میراث ماندگاری است که به واسطه آن‌ها اشعار، ابیات و بخش‌های عمده‌ای از فرهنگ و ادب این سرزمین به دست ما رسیده است.

سفینه نظم و نثر، نسخه خطی گران سنگ و شایسته توجهی است که با تصحیح، از گنج کتابخانه‌ها به در آمد. تصحیح این سفینه می‌تواند گامی در جهت شناخت بیشتر شاعران بی‌نام‌ونشان باشد، که تاکنون مهجور مانده‌اند.

این سفینه در بردارنده نکات قابل توجهی برای اندیشمندان و جستجوگران حوزه زبان و ادبیات فارسی است. نام دیگر این سفینه جنگ حکایات است. بیشتر اشعار و متون سفینه از منابع مختلفی گردآوری شده و ویژگی‌های ادبی، لغوی و نحوی آن نیز تابع آن منابع است. سبک نوشتاری سفینه متفاوت است، گاهی ساده و روان و گاهی مسجع و متکلف است. همه کوشش جامع سفینه، برای گردآوری کتابی حکمی، عرفانی و پندآموز بوده است.

در پژوهش حاضر بعد از تصحیح ابیات و متون سفینه نظم و نثر، به مقابله آن با دیوان شعرا، نسخه‌ها، جنگ‌ها و سفینه‌های خطی پرداخته شد. همه موارد بر اهمیت و لزوم بررسی و توجه دقیق به سفینه‌ها و جنگ‌ها، برای تکمیل دیوان شعرا تأکید می‌نماید و ضرورت تصحیح مجدد دیوان برخی از شعرا، مثل طالب آملی را اثبات می‌کند.

در خصوص نو یافته‌های سفینه نظم و نثر می‌توان به ترجیع بندی تازه، از اشعار طالب آملی اشاره کرد که در کلیات اشعار طالب - که به تصحیح و تحشیه محمد طاهری شهاب رسیده - چاپ نشده است و تا به امروز در دیگر منابع و به نام او نیامده است. در مجموع چنین به نظر می‌رسد که با تصحیح سفینه نظم و نثر قرن ۱۰ و ۱۱ هجری، ترجیع بندی با ۱۰۳ بیت به ۲۲۹۶۸ بیت کلیات اشعار ملک‌الشعرا طالب آملی اضافه شده است.

منابع

آملی، طالب (۱۳۴۸). کلیات اشعار ملک‌الشعرا طالب آملی، به اهتمام تصحیح و تحشیه طاهری شهاب، [تهران]: کتابخانه سنایی

آفتاب رای لکهنوی. (۱۳۶۱). تذکره ریاض العارفین. اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.

- آذر بیگدلی، لطفعلی. (۱۳۳۶). آتشکده. چاپ ۱. تهران: امیرکبیر
- اوحدی دقاقی بلیانی، تقی الدین محمد. (۱۳۸۹). عرفات العاشقین. جلد چهارم چاپ اول تهران: میراث مکتوب.
- بهادر، حسن خان. (۱۳۸۶). تذکره شمع انجمن. چاپ ۱، یزد: دانشگاه یزد، ص ۶۹۴
- حسن زاده، محمد. (۱۳۹۸). سوز نامه‌ی طالب. چاپ یک، تهران: مانیان
- دشتی، سید محمد. (۱۳۹۹). «ضرورت تصحیح دوباره غزلیات طالب آملی». متن شناسی ادب فارسی، سال ۱۲، شماره ۴۶، صص ۹۵-۱۱۴.
- رازقی شانی، علی. (۱۳۸۶). طالب آملی. تهران: تیرگان
- صفا، ذبیح الله. (۱۳۷۱). تاریخ ادبیات ایران. جلد پنجم. چاپ ششم، تهران: فردوس.
- عظیمی، میلاد. (۱۳۸۹). سفینه و بیاض و جنگ مقاله‌های ایرج افشار، تهران: سخن.
- عید گاه طریقه‌ای، وحید. (۱۳۹۴). تصحیح بیت‌هایی از کلیات طالب آملی. نامه فرهنگستان.
- فدایی، غلامرضا. (۱۳۸۶). آشنایی با نسخ خطی و آثار مکتوب، تهران: سمت.
- قهرمان، محمد. (۱۳۸۳). دیوان میلی مشهدی. چاپ یکم. تهران: امیرکبیر.
- قنبری، محمدرضا. (۱۳۸۳). زندگی و شعر طالب آملی. چاپ یکم، تهران: زوآر
- گلچین معانی، احمد. (۱۳۶۹). کاروان هند. جلد یک. چاپ یکم، مشهد: آستان قدس رضوی.
- گودرزی، فرامرز. (۱۳۸۲). شاعری که شایسته این فراموشی نیست. چاپ یکم، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- واله داغستانی، علیقلی. (۱۳۸۴). تذکره ریاض الشعرا. جلد چهارم. چاپ یکم، تهران: اساطیر.
- نسخه خطی سفینه نظم و نثر به شماره هشت هزار و نهصد و هشتاد و دو. (بی تا). متعلق به کتابخانه مجلس شورای اسلامی

References

۱. Amoli, Taleb (۱۹۶۹). "General Poems of Malik al-Shoara Taleb Amoli", with the efforts of correcting and tahshieh Taheri Shahab, Tehran: Sanial Library.
۲. Aftab rai lukhnawi (۱۹۸۲). Tazkira Riyabh Al-Arfin, Eslamabad: Persian research center of Iran.

۳. Azar Bigdeli, Lotfali (۱۹۵۷). Fire Temple, First edition, Tehran: Amirkabir
۴. Ohadi Daghighi Belyani, Taghi al-din Mohammad (۲۰۱۰). Arafat al-Asheqin, Volume ۴, First edition, Tehran: Written Heritage.
۵. Bahador, Hasan Khan (۲۰۰۷). Tazkira Pile association, First edition, Yazd: Yazd University
۶. Hasanzadeh, Mohammad (۲۰۱۹). Suzunam Taleb, First edition, Tehran: Maniyan.
۷. Dashti, seyed Mohammad (۲۰۲۰). The need to correct the poems of Taleb Amoli, Textology of pesian literature, ۱۲ year, no. ۴۶, ۹۵-۱۱۴.
۸. Razeghi Shani, Ali (۲۰۰۷). Taleb Amoli, Tehran: Tiregan.
۹. Safa, Zabihollah (۱۹۹۲). History of Iranian literature. Volume ۵, Edition ۶, Tehran: Ferdous.
۱۰. Azimi, Milad (۲۰۱۰). Ship and bayad and war articles by Iraj Afshar, Tehran: Sokhan.
۱۱. Eidghah Torqabeh, Vahid (۲۰۱۵). Correction of verses from the generalities of Teleb Amoli, Academy letter.
۱۲. Fadaei, Gholamreza (۲۰۰۷). Familiarity with manuscripts and written works, Tehran: Samt.
۱۳. Ghahreman, Mohammad (۲۰۰۴). Diwan Milli Mashgadi,, First edition, Tehran: Amirkabir
۱۴. Ghanbari, Mohammadreza (۲۰۰۴). Life and poetry of Taleb Amoli, First edition, Tehran: Zavar
۱۵. Golchin Maani, Ahmad (۱۹۹۰). Indian Caravan, Volume one, First edition, Mashhad: Astan Quds Rawdavi.
۱۶. Godarzi, Faramarz (۲۰۰۳). A poet who doesn't deserve this amnesia, First edition, Tehran: publications of the Ministry of culture and Islamic guidance.
۱۷. Valeh Daghestani, Aligholi (۲۰۰۵). Tazhira Riaz al-Shaara, Volume ۴, First edition, Tehran: Asatir.

۱۸. Anthologies manuscript of order and prose no.۸۹۸۲, Belonging to the Library of the Islamic consultative assembly.

